

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### آیات الولایه

#### آیه چهاردهم - سوره مبارکه آل عمران - آیه شریفه ۶۱

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَنِسَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ

پس هر کس با تو درباره او (عیسای مسیح علیه السلام) پس از آنکه تو را علم آمده محاجه و ستیز کند، بگو: بیایید ما پسرانمان را و شما پسرانمان را و ما زنانمان را و شما زنانمان را و ما خودمان را و شما خودتان را (کسانی را که مانند جان ماست) فرا خوانیم، آن گاه به یکدیگر نفرین کنیم، پس لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم. (پیامبر در این قصه حسنین را به عنوان ابناء و فاطمه را به عنوان نساء و علی را به عنوان نفس خود به مباحله آورد و کفار تسلیم شدند)

#### تفسیر آیه:

یعنی اگر باز کسانی پس از این همه برهان و دانشی که از خداوند به تو رسید، بخواهند درباره الوهیت حضرت مسیح با تو گفت و گو و بحث های بی ثمر کنند، آن ها را به مباحله دعوت کن و بگو: شما نزدیک ترین کسان خود را از فرزندان و زنان و مردان فرا خوانید، ما نیز نزدیکترین کسان خود را از فرزندان و زنان و خودی ها دعوت می کنیم (فَقُلْ تَعَالَوْا أَبْنَاءَنَا وَنِسَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ) و آن گاه حکمیت موضوع را به خدای عالم واگذار می کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرا می دهیم (ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ).

مباحله چیزی است که اثر خود را عملاً آشکار می کند و دروغگو را گرفتار عذاب می سازد و آخرین حربه را پس از تأثیر نکردن منطق و استدلال است.

#### ماجرای مباحله

نجران: نام شهری در یمن بود که مرکز مسیحیان به شمار می رفت و معبدی که آن جا داشتند به آن کعبه نجران می گفتند و هیئتی که برای بررسی اسلام به مدینه آمده بودند از علمای هم آن جا بودند.

« مباحله » از ماده « بهل » به معنی رها کردن و قید و بند چیزی را از چیزی برداشتن است و ابتهال در دعا به معنی تضرع و واگذاری کار به خداوند است. در مباحله، دو طرف مخالف برای اثبات حقایق خود، داوری را مستقیماً به خدا وا می گذارند. بنابراین وقتی درباره یک مسئله مهم مذهبی گفت و گو به نتیجه نرسید، در یک جا جمع می شوند و به درگاه خدا تضرع و زاری می کنند و از خدا می خواهند که دروغگو را رسوا سازد. از این رو وقتی دلایل عقلی و نقلی پیامبر (صلی الله علیه و آله) درباره عیسی (ع) که برخاسته از وحی بود، در نصارای نجران تأثیری نکرد، خدا به پیامبر خود دستور داد که به آن ها پیشنهاد مباحله کند. مباحله تا آن زمان در میان اعراب سابقه نداشت و راهی بود که صد در صد دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را اثبات می کرد و طبیعی است کسی که به ارتباط خویش با خدا یقین نداشته باشد، جرأت نمی کند که در چنین میدان خطرناکی که مجازات آن نقدی است، وارد شود. به هر حال، مسیحیان نجران که برای کشف حقایق نبوت پیامبر موعود به مدینه آمده بودند، از قبول مباحله به هراس افتادند و آن

را نپذیرفتند. آن‌ها از پیامبر (صلی الله علیه وآله) مهلت خواستند تا در این باره بیندیشند. نتیجه مشاوره این بود که به نفرات خود گفتند که اگر دیدید محمد (صلی الله علیه وآله) با سر و صدا و جمعیت و تشریفات به مباحله آمده، با او مباحله کنید و نهراسید؛ زیرا در این صورت حقیقتی در کار نیست. ولی اگر با نفرات بسیار محدودی از خاصان نزدیک و فرزندان خردسالش بر سر قرار آمد، بدانید او پیامبر خداست و از مباحله با او پرهیزید که خطرناک است. فردای آن روز نجرانی‌ها طبق قرار قبلی در میعادگاه حاضر شدند. ناگاه دیدند که پیامبر (صلی الله علیه وآله)، فرزند گرامی اش حسین (سلام الله علیه) را در آغوش دارد و دست حسن (سلام الله علیه) را در دست گرفته و علی و فاطمه (سلام الله علیهما) همراه او هستند و به آن‌ها سفارش می‌کند هر گاه من دعا کردم شما آمین بگویید. نمایندگان نجران وقتی این صحنه نورانی و الهی را مشاهده کردند، سخت به وحشت افتادند. ابو حارثه اُسقف هیئت نجرانی گفت: ای یاران! این چهره‌های نورانی را که من می‌بینم، اگر از خدا بخواهند که کوه از جا کنده شود چنین خواهد شد. با این‌ها مباحله نکنید که حتماً هلاک می‌شوید. لذا از مباحله رو گردان شدند و به شرایط ذمه و جزیه تن دادند و با پیامبر (صلی الله علیه وآله) مصالحه کردند که سالی مقداری لباس که هر یک به قیمت چهل درهم باشد و نیز در مواقع جنگ مقداری تجهیزات جنگی در اختیار مسلمانان بگذارند.

البته مردم زیادی بعد از ایم مباحله ایمان آوردند و پس از مراجعت هیئت نجرانی، دو نفر از علمای آن‌ها به نام سید و عاقب به مدینه برگشتند و هدایایی به رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) تقدیم نموده، اسلام آوردند. به راستی، هم جای تعجب است و هم جای دلسوزی نسبت به برادران اهل سنت که چگونه جناح بندیهای سیاسی و فرقه‌ای و تحریف در مسائل تاریخی موجب شده است که آن‌ها از دامن اهل بیت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) دور بیفتند و از فروغ این انوار درخشنده بی‌نصیب بمانند. در حالی که خاص و عام پذیرفته‌اند که پیامبر (صلی الله علیه وآله) در این مباحله چه کسانی را به عنوان «أَبْنَاءَنَا وَنِسَاءَنَا وَأَنْفُسَنَا» به میدان آورد و آن‌ها را عین جان خود دانست.

#### شخصیت آسمانی مباحله

در پاره‌ای تفسیرهای ما این آیه دلیل فضیلت علی (سلام الله علیه) و فاطمه و حسنین گرفته‌اند و به همان بسنده کرده‌اند و حق اهل مباحله را ضایع نموده‌اند و آن را فقط دلیل فضیلت آن‌ها دانسته و غائله را در یک بن بست محدود احساسی ختم نموده‌اند، که این اشتباه است. بلکه باید بدانیم که آیه مباحله چیزی بالاتر از مسئله فضیلت است. این آیه سخن از مشارکت آن‌ها در حفظ و بقای رسالت است که بی‌وجود آن‌ها رسالت از حرکت باز خواهد ایستاد.

این بزرگوران کسانی هستند که به تعیین قرآن و رسول خدا (صلی الله علیه وآله) برگزیده و تأیید شده‌اند. اشخاصی را که پیامبر (صلی الله علیه وآله) در میدان مباحله به همراه خود آورد، متولی و شریک موضوع مباحله بودند. آن‌ها پرده داران حقیقی و نخستین رسالت پیامبر (صلی الله علیه وآله) بودند و پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) به امر خدا گردن نهاده و مصادیقی را به میدان آورد که غیر آن‌ها نمی‌توانستند مشمول آیه قرار بگیرند و اگر غیر از این‌ها کسانی پیدا می‌شدند که منظور خدا باشند، پیامبر آن‌ها را به صحنه می‌آورد. مراد از «أَبْنَاءَنَا» منحصرأ حسن و حسین (سلام الله علیه) هستند و منظور از «نِسَاءَنَا» با این‌که به صورت جمع آمده است، تنها فاطمه زهرا (س) است و منظور از «أَنْفُسَنَا» تنها علی (سلام الله علیه) بود. پیامبر (صلی الله علیه وآله) با نوع انتخاب خود از میان همه خانواده گرامی اش، کلمات آیه کریمه را تأویل و تفسیر نموده است.

حدیث: از پیامبر (صلی الله علیه وآله) روایت شده که به بریده اسلمی فرمود: «علی (سلام الله علیه) را به خشم نیاور؛ زیرا او از من است و من از او»

فخررازی در تفسیر خود گفته است: «طبق این آیه ، علی (سلام الله علیه) از سایر اصحاب پیامبر(صلی الله علیه وآله) افضل بوده است؛ زیرا او عین نفس پیامبر تلقی شده و از طرفی پیامبر افضل مردم است. پس علی (سلام الله علیه) بعد از پیامبر(صلی الله علیه وآله) افضل مردم است.» آیا همین فضیلت در اولین امام بودن او کافی نبود؟ مصداق این آیه را پیامبر(صلی الله علیه وآله) شخصاً تعیین نموده است و شیعه و سنی در آن اختلاف ندارند . فخر رازی در تفسیر این آیه ، دربارهٔ این که مراد از اهل بیت چه کسانی هستند ، روایت کرده است که پیامبر(صلی الله علیه وآله) عبا یا پارچهٔ سیاهی بر دوش خود انداخته بود که حسن و حسین و فاطمه و علی (سلام الله علیه) یک یک پیش پیامبر (صلی الله علیه وآله) آمدند و حضرت ، آن ها را زیر پارچه به حضورش فرا خواند و آن گاه این آیه را تلاوت فرمود: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً». سپس گفته است که این روایت از مسلمات میان اهل تفسیر و حدیث است. (تفسیر نسیم حیات)

منبع: پایگاه های اطلاع رسانی امام علی سلام الله علیه، تدبیر، حرم حضرت امیرالمومنین سلام الله علیه، تبیان

معاونت فرهنگی تربیتی

مرکز آموزش های غیرحضورى حوزه های علمیه خواهران

<http://vufarhangi.whc.ir/>